



قسمت هفتم

بهین ترتیب است.»

و نیز می گوید:

«وَاللّٰهُ الَّذِي اَنْزَلَ الرِّیَاحَ فَشَبَّرُ سَمَابًا فَسَفَّاهُ  
إِلَى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَاَحْيٰنَا بِهٖ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذٰلِكَ  
الْشُّوْر»<sup>۲</sup>

یعنی: «خداوند آن کسی است که بادهای را  
می فرستد تا ابرها را برانگیزد ما آن ابرها را به شهر مرده  
میرسانیم و بوسیله بارانش زمین را پس از مرگ خزان زنده  
می گردانیم حشر و نشر مردگان نیز روز قیامت بهین  
ترتیب خواهد بود.»

و یا می گوید: «وَمِنْ اٰیٰتِهٖ اِنَّكَ تَرٰی الْاَرْضَ  
خَاۤیِطَةًۢ فَاِذَا اَنْزَلْنَا عَلَیْهَا الْمَآءَ اهْتَرَّتْ وَوَرَّتْ اِنْ  
الَّذِي اَحْيٰهَا لَمُخْسِي الْمَوْتِ اِنَّهُ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ  
قَدِيْر»<sup>۱</sup>

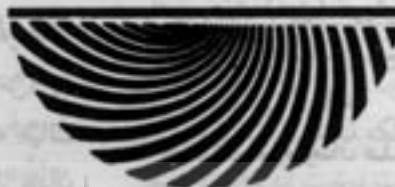
یعنی: «از جمله آیات قدرت الهی این است که  
زمین را می بینی که خشک و خاموش است اما چون ما  
بر آن باران فرود آوریم بحرکت درمی آید و نمو می کند  
آن خداوندی که آن زمین را زنده می کند مردگان را  
نیز مجدداً زندگی می بخشد که او بر هر چیز قادر  
است.»

### تشبیه جالب

تشبیه برانگیخته شدن انسانها در روز  
قیامت به زنده شدن زمین در فصل بهار تشبیه  
بسیار مناسب و جالب است:

زمین خزان دیده، در فصل زمستان مرده  
است. و بنظر مرده می آید اما در عین این خشکی  
و خمشوشی در درون آن دانه ها و ریشه های  
زیادی که یادگار و بقایای دوران زندگی  
و فعالیت تابستان قبل است وجود دارد که از  
نظر ما پنهان است. این دانه ها و ریشه ها در  
زیر خاک محفوظ هستند و از خود آثاری ابراز  
نمیدارند اما همیشه فصل بهار فرا رسیده و هوا  
ملایم و مساعد شد، باد بهاری و زبید و قطرات  
باران بر سطح آن بارید و محیط از جهت حرارت  
و رطوبت مساعد گردید این زمین که خاموش  
بود بجنب و جوش درمی آید سبزه ها و گلها را ظاهر  
می کند درختانش میشکند، گل و خار و شکر  
و حنظل میرویانند.

# معاد



آیت الله حسین نوری

بسیج نماید.

این استدلال بطور مشروح با ذکر مواردی از  
آیات قرآن مجید در مقاله قبل ذکر گردید.  
یکی دیگر از استدلالهای قرآن با پندید  
آمدن «بهار» و زنده شدن زمین پس از مرگ  
خزان ارتباط دارد که می گوید:

«وترى الأرض هابدة فإذا أنزلنا علیها الماء  
اهترت وورت وآنبتت من كل زرع تهيج ذلك بأن  
اللة هو الحق وآنکه یخسی الموتى وآنکه علی كل  
شیء قدير وآن الساعة آتیة لا ریب فیها وآن اللة  
یتت من فی القبور»<sup>۱</sup>

یعنی: «سطح زمین را خشک و بی گیاه می بینی  
ولی هنگامی که باران بر او فرود باریم بجنبش درمی آید  
و نمو می کند و از هر نوع گیاه بهجت زامیرویانند.

این موضوع نشانه آنست که خداوند حق  
است و او مردگان را زنده می کند و او بر هر  
چیزی توانا است و بطور مسلم و بدون هیچ شک  
و تردید قیامت خواهد آمد و خداوند مردگان را از  
قبر برخواهد انگیزد.»

و یا میفرماید: «وَأَحْيٰنَا بِهٖ بَلَدًا مَّيِّتًا كَذٰلِكَ  
الْخُرُوْج»<sup>۲</sup> یعنی: «بوسیله باران زمین مرده را زنده  
ساختیم و زنده شدن و سر برآوردن شما از خاک نیز

• زنده شدن زمین در فصل بهار

• تشبیه جالب

• کاخ رفیع هستی

• اِنْ اِنَّا اِیٰتِهِمْ ثُمَّ اِنْ عَلٰنَا جٰنَتِهِمْ

بحث ما در مقاله گذشته در رابطه با  
عنایت مخصوص قرآن کریم به موضوع  
«معاد». درباره استدلالهایی بود که در این  
کتاب جاویدان برای اثبات «معاد» بعمل آمده  
است.

و چنانکه گفتیم اساس یکی از این  
استدلالها «خلقت انسان» است که بطور  
خلاصه این موضوع را بیان می کند که: شما  
انسانها در خلقت خود فکر کنید که در آغاز چه  
بوده اید چه مراحل را پیموده تا باین صورت  
درآمده اید و آن دست قدرتی که آفرینش شما را  
در جهان رحم از نطفه آغاز کرده و پس از  
گذراندن از مراحل باینجهان آورده است البته  
قدرت دارد که شما را پس از مرگ زنده کند  
و در جهان دیگری برای پاداش و کیفر اعمالتان

بنابراین پیدایش «بهار» که سالی یکمرتبه تکرار میشود نمونه‌ای است از قیامت و شما در عمر پنجاه ساله و هفتاد ساله خود، ۵۰ بار ویا ۷۰ بار این نمونه را مشاهده کرده‌اید و این نمونه مکرر و منظم را که نشانگر قدرت لایزال الهی است دیده‌اید، قیامت نیز بهمین ترتیب است. در روز قیامت نیز پس از اینکه ذرات بدن انسانها بقایائی از اعضا و اندام از چشم‌ها و گوشها از مغزها و جهاز اعصاب، از زبانها و دلهای از دست‌ها و پاها که هزاران بلکه میلیونها سال در لابلای خاکها در دل دریاها در آفتاب سنگها در دامن تپه‌ها پنهان گردیده است ولی در کتاب علم حق تعالی محفوظ و معین است، خاموشند و در سکوت عمیق و طولانی فرو رفته‌اند اما همینکه نفخ صور بوجود آمد و اعلان بسیج عمومی فرا رسید همه بحرکت و خروش درمیآیند و زنده میشوند و همانطور که در آغاز بهار از نقطه‌ای گل و از نقطه‌ای خار میروید و از زمینی شکر و از زمینی حنظل پدید میآید در روز قیامت هم از یک خاک چهره‌ای روشن مانند ماه و از نقطه‌ای چهره‌ای سیاه و تاریک سر برمیآورد:

«وَأُولَئِكَ يَتَرَوْنَ فِيهَا جَنَّاتٍ مُّسْتَبِيرَةً وَأُجُودًا يَتَوَقَّئُ عَلَيْهَا غَيْرَةً تَرْفَعُهَا قَرَّةً»

«چهره‌هایی چون فروزان، خندان و شادمان و چهره‌هایی بر آنها گرد و غبار غم و اندوه فرو نشسته و خاک ذلت آنرا فرا گرفته است.

«وَأُولَئِكَ يَتَوَقَّئُ عَابِدَةً عَابِدَةً نَّاصِبَةً تَضَلُّ نَارًا حَامِيَةً لِنَفْسٍ مِنْ عَيْنٍ آيَةٌ وَأُولَئِكَ يَتَوَقَّئُ نَاجِمَةً لِنَجْمِهَا وَأُضْيُوتٌ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ»

«رخسار گروهی، ترسناک و دلیل در رنج و مشقت است و بالاخره در آتش فروزان دوزخ مملد خواهد شد و از چشمه آب جوشان جهنم خواهد نوشید.

چهره‌هایی در پرتو نعمت‌های الهی شادمان و خندان و از سعی و کوشش خود که امروز به نتیجه رسیده است خشنود است و در بهشت بلند مرتبت سر خواهد برد.

چنانکه ملاحظه کردید این تشبیه یعنی

تشبیه زنده کردن مردگان در روز قیامت به زنده کردن زمین، در فصل بهار بسیار جالب و پرمحتوا است. آری:

•••

این بهار نوز بعد برگ‌ریز هست برهان بر وجود رستخیز آتش و باد ابر و آب و آفتاب رازها را می‌برآورد از تراب در بهاران رازها پیدا شود هر چه خورده است این زمین رسوا شود بر قند آن از دهان و از لبش تا پدید آید همبر قندهشیز سبز بیخ هر درختی و غشوش جملگی پیدا شود آن بزرگش رازها را می‌کند حق آشکار چون بساید رُست نخم بد فکار ای دریده پوستین پوستان گرگ بر عیزی از این خواب گران گشته گرگان یک به یک خورهای تو سیدراتند از غصب اعضای تو

•••

### کاخ رفیع هستی

یکی دیگر از استدلالهای قرآن کریم در برابر کسانی که با دیده تردید و یا انکار به موضوع «معاد» می‌نگریستند و این حقیقت بزرگ را باور نمی‌کردند این است که آنها را به آفرینش آسمانها متوجه می‌کند و می‌گوید: «که خلقت شما در برابر خلقت این فضای پهناور و این کاخ رفیع و این اجرام کیهانی بسیار حقیر است و آن پروردگار توانائی که این دستگاه بسیار با عظمت را آفریده و اداره می‌کند مسلماً قدرت دارد که شما را پس از مرگ مجدداً زنده و به عرضه قیامت بسیج کند.

در این مورد برای نمونه به این آیات توجه کنید: «أَلَمْ تَرَ أَنزَلْنَا مِنْ سَمَاءٍ مَبْرُورَةٍ مَاءً سَلِيمًا فَسَوَّيْنَا مِنَ الْأَرْضِ رَوْنًا ثُمَّ بَدَّلْنَا حَمْأَهَا طَبَوًّا وَنَبَاتًا لِيُخْرِجَ مِنْهَا حَبًّ حَلَالًا»

«آیا خلقت شما سخت‌تر و محکم‌تر است یا

خلقت آسمانی که خداوند آنرا بنا کرد و سقف و ارتفاع آنرا بالا برد و آنرا استوار و متعادل ساخت و شهبای آنرا تاریک و روزهای آن را روشن گردانید؟

در این آیات در این چند نکته باید دقت کنیم:

### ۱- بنای آسمان:

در قرآن مجید، خداوند بزرگ در ۷ مورد از «بنای آسمان» سخن گفته است البته این تعبیر تنها بمنظور یک تشبیه بکار نرفته است بلکه مقصود اصلی این است: همانطور که در بنای یک ساختمان قطعات متعددی از قبیل سنگ، آهن، آجر، آهک، سیمان، گچ، چوب و شیشه هر یک در جای خود بکار رفته تا یک ساختمان بر پا گردیده است، در ساختمان بنای بلند آسمان نیز این اجرام کیهانی ثابت و سیار درخشان و تاریک نجوم و کواکب و اقمار با حجم‌ها و وزنهای مختلف، با اندازه‌گیری و محاسبه دقیق بکار رفته است و هر یک در محل و موقعیت مخصوصی قرار داده شده است و دربارهٔ حجم و جرم و فاصله و سرعت حرکت و جهت حرکت هر یک از آنها حساب دقیقی صورت گرفته تا بر پا شده است بطوریکه کوچکترین اختلال در یکی از آنها موجب بهم خوردن نظم و انتظام آنها می‌گردد.

بس کاشها خراب شد و آسمان بجا است بنیاد علم بین که چنان محکم اوفند

### ۲- رفعت آسمان:

قرآن کریم در ۴ مورد از «رفعت» آسمان سخن گفته و این موضوع را یکی از نشانه‌های قدرت آفریدگار جهان قلمداد کرده است و مقصود اصلی از این عبارت نیز این است که به ارتفاع این سقف با عظمت که بدون تکیه‌گاه و ستون برافراشته شده است با نظر دقت نگاه کنیم و از این رهگذر درس بزرگی در رابطه با علم و قدرت خداوند را بخوانیم.

این ارتفاع با اندازه‌ای زیاد و این مسافت و فاصله بقدری دور است که تنها با سرعت سیر «نور» که در هر ثانیه ۳۰۰ هزار کیلومتر و در هر

دقیقه ۳ میلیون فرسخ راه طی میکند میتوان آنرا اندازه گیری کرد.

و نیز نکته قابل توجه اینکه سهر «نور» در ثانیه وساعت از عهده بیان این مسافتها بر نمی آید ولذا دانشمندان تنها مقیاسی که آنرا بعنوان «واحد مسافت» در زمینه معرفی مقدار این ارتفاعها و مسافتهای آسمانی پذیرفته اند و در رشته نجوم و هیات معمول و متداول گردیده است «سال نوری» است یعنی آن مقدار مسافتی است که امواج سریع السیر آنرا در ظرف یک سال می پیماید.

میدانیم که یکسال ۳۱/۵۵۸/۰۰۰ سی و یک میلیون و پانصد و پنجاه و هشت هزار «ثانیه» است و سرعت امواج نور چنانکه گفته شد در هر ثانیه ۳۰۰ هزار کیلومتر است.<sup>۸</sup> بنابراین سال نوری عبارت از حاصل ضرب رقم ۳۱/۵۵۸/۰۰۰ (مجموع ثانیه های یک سال) در ۳۰۰/۰۰۰ کیلومتر است که مساوی است با ۹/۴۶۷/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ کیلومتر (نه هزار و چهارصد و شصت و هفت میلیارد و چهارصد میلیون).

برای روشن تر شدن مطلب فرض کنید در هواپیمائی که در هر ثانیه ۳۰۰ هزار کیلومتر راه طی میکند نشسته اید و میخواهد بیک مسافرت فضائی اقدام کنید پس از پیمودن یک ثانیه و یک چهارم ثانیه راه، به «ماه» و پس از ۸ دقیقه و ۲۰ ثانیه به خورشید میرسید!

ولی برای رسیدن به نزدیکترین ستاره که نامش «پروکسیما» و در جنوب آسمان واقع گردیده است ۴ سال با این مرکب باید راه پیمائید.

و برای رسیدن به ستاره شعرای یمائی ۹ سال.

برای رسیدن به ستاره عتیق ۴۷ سال.

برای رسیدن به ستارگان ۷ برادر بزرگ ۶۰ سال.

برای رسیدن به ستاره قطبی جدی ۳۰۰ سال.

برای رسیدن به ستارگان پروین ۳۳۰ سال. برای رسیدن به کهکشان ما (نزدیکترین کهکشان نسبت بما که منظومه شمسی ما جزء آن است) ۴۵/۰۰۰ سال.

برای رسیدن به کهکشان المرثه الملسله ۸۰۰/۰۰۰ سال.

برای رسیدن به کهکشان دب اکبر ۱/۵۰۰/۰۰۰ سال.

برای رسیدن به کهکشان فرس اعظم ۳/۵۰۰/۰۰۰ سال.

و بالأخره کهکشانهائی وجود دارد که میلیونها و میلیاردها سال نوری با ما فاصله دارند و دانشمندانی که با دقت بسیار زیاد این معنای بزرگ و راز دقیق آفرینش یعنی موضوع تعیین «مرز عالم هستی» را مورد مطالعه قرار داده اند هنوز نتوانسته اند جوابی پیدا کنند که آیا عالم هستی مرزی دارد یا نه؟

یکی از دانشمندان علوم فضائی «برونو پورگل» می گوید: «بهر است از این مسائل (مرز جهان هستی کجا است؟) که هنوز لاینحل بنظر میرسد صرف نظر کنیم زیرا ما را بوضع وحال نابیشائی که با چوبدست خود در صحرائی بیگرائی میان مه کورمال کورمال می کند دچار میسازد»<sup>۹</sup>.

### ۳- آسمان، سازمانی است استوار و متعادل:

نکته ستم در رابطه با تعبیر «قوسیها» است. در این مورد نخست باید توجه داشت که تعداد ستارگان آسمان بسیار زیاد است و علماء این فن، پس از پیگیری زیاد و تحقیقات فراوان باین نکته رسیده اند که آنها در فضا بدون نظم و ترتیب پراکنده نیستند بلکه مجموعه هائی را که «کهکشان» نامیده میشود و حداقل هر یک از آنها دارای ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (صد هزار میلیون) ستاره است را تشکیل میدهند و تعداد این کهکشانها نیز مجموعاً حداقل به ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (صد هزار میلیون) بالغ می گردد.

اکنون حساب کنید که حاصل ضرب رقم صد هزار میلیون (تعداد کهکشانها) در صد هزار میلیون (تعداد ستارگانی که در هر یک از این کهکشانها موجود است) چقدر است؟

$$= ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ \times ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

$$= ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

(ده هزار میلیارد میلیارد)

برای اینکه تصور صحیحی از این رقم داشته باشیم باید بگوئیم:

اگر کلیت جمعیت روی زمین را ۳ هزار میلیون نفر در نظر بگیریم و فرض کنیم که همه آنها زن و مرد و پیر و جوان برای سرشماری این ستارگان (که تاکنون کشف گردیده است) بسیج شوند و خیلی هم با سرعت این کار را انجام بدهند بطوری که هر یک از آنها در هر ثانیه ۱۰ تا از این ستاره ها را بشمارند و تمام عمر خود را از آغاز تا انجام به ستاره شماری بپردازند در صورتی میتوانند از عهده این سرشماری برآیند که هر یک دارای ۳۰ هزار سال عمر باشند<sup>۱۰</sup>.

البته این رقم تقریبی است و حقیقت مطلب این است که دانشمندان علوم فضائی میگویند: تعداد ستارگان آنقدر زیاد است که نمیتوان آنها را در هیچ رقمی محصور و محدود نمود و هر قدر دستگاههای نیرومندتری برای کاوش فضا اختراع می گردد در فاصله های دور دست تر ستارگانی مشاهده می شود.

بطوریکه یکی از آنان می گوید: «شماره ستارگان آسمان بیش از ذرات ماسه کنار دریا های دنیا است»<sup>۱۱</sup>.

اکنون با توجه باین ارقام و آمار این مطلب روشن میشود که ایجاد تعادل و توازن میان اینهمه ستاره که همه نیز در حال حرکت میباشند و جهت حرکت همه آنها نیز یکسان نیست نشانگر علم و قدرت آن آفریدگاری است که این کاخ با عظمت را برافراشته و بر پا ساخته است و مسلماً آنها نیز مسکون هستند و موجودات زنده ای در آنها به فعالیت های

بقیه در صفحه ۴۲

گویند.

در برخورد با انسانهای ناآگاه، نادان و فریب خورده، بهترین روش این است که انسان بجای مقابله به مثل کردن و همسان جاهل شدن، صبر و شکیبایی را پیشه کند تا هم خود را به زینت حلم و فضیلت اخلاق آراسته کند و هم رسالت هدایت و سعادت انسانها و خدمت به آنها را با بیدارگری و آگاهی بخشیدن به آنان ایفاء نماید.

«لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ» (صلوات- ۳۱ و ۳۵)

نیکی و بدی - در پاداش - یکسان نیستند، بدی را به روشی که نیکوتر است دفع کن. پس آنگاه، کسی که میان تو و او دشمنی بود گوئی دوستی نزدیک است و برخوردار نمی شوند از این خصلت نیک مگر کسانی که «صبر» پیشه کردند و از عقل کامل - بهره عظیم دارند.

نمونه هائی از این خصلت والا که از ویژگیهای صبر می باشد در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین بیان شده است:

«صِلْ مَنْ قَطَعْتَكَ وَأَعْطِ مَنْ حَرَقَكَ وَأَعْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ»

با هر کسی که با تو قطع رابطه کرده پیوند برقرار کن و عطاء کن به کسی که ترا محروم کرده و چشم پوشی کن از کسی که به تو ستم کرده است.

وقتی که مورد صبر در آیه جانی است که بین طرفین دشمنی و عداوت حاکم باشد و در عین حال از درخت صبر آنچنان میوه محبت جده شود، به طریق اولی و به وجهی مسلم تر در مواردی که دشمنی در کار نیست و فقط اموری مانند سوء تفاهم، بدگمانی و مسائل جزئی تری مانند اختلاف سلیقه و نظر در امور جاری زندگی - که عموماً طبیعی و غیر قابل اجتناب است - در بین باشد، همین روش بهترین و تنها راه جلب دوستی و صمیمیت بین اعضاء خانواده ها و افراد جامعه می باشد و صبر در بکار گرفتن این روش می تواند ریشه عمده مشکلات و از هم پاشیدگیهای

خانوادگی و تشنجات اجتماعی را از بین برده و زمینه را برای ایجاد و تحکیم وحدت در جامعه اسلامی فراهم کند.

«وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال- ۱۶)

خدا و رسول او را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ضعیف و سست می شوید و شوکت شما بر باد می رود و «صبر» کنید، به یقین خدا با صابران است.

در این آیه ضمن آنکه محور حرکت و وحدت جامعه را در فرمانبرداری از خدا و رسول او قرار داده، مردم را از هرگونه تنازع و رودرروی هم فرار گرفتن بر حذر داشته و نتیجه تلخ تنازع را نیز بیان فرموده است. لیکن از آنجا که اطاعت از خدا و رسول و نیفتادن در دام تنازع به آسانی انجام پذیر نیست و عوامل باز دارنده و مخرب فراوانی بر سر این راه قرار دارد، ناگهان قرآن به مهمترین عنصر سازنده و بهترین وسیله کمک دهنده تکیه کرده، می فرماید: «وَاصْبِرُوا» صبر کنید و در پی آن بالاترین نتیجه حاصله را اعلام می نماید:

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»

به یقین خدا همراه صابران است.

و چه تضمین و پشتوانه ای بالاتر از این؟! ۱۹

۳- و اما در اموری که وقوع و دفع آنها خارج از اختیار انسان است، مصائب و پیش آمدهای ناگواری است مانند مرگ عزیزان، از دست دادن برخی از اعضاء بدن و امثال اینها که صبر در این موارد بسیار مشکل و دارای فضیلت فراوان است.

از یغیر اکرم نقل شده که:

«أَسْأَلُكَ مِنَ الْيَقِينِ مَا يَهْوَىٰ عَلَيَّ مَصَائِبَ الدُّنْيَا»

خدایا از تو یقین یقینی مسئلت می کنم که مصائب دنیا را بر من آسان

بقیه از معاد

زندگی می پردازند.

۴ - نظام نور و ظلمت:

چهارمین نکته ای که در آیات گذشته مورد تذکر و واقع شده است مسأله نظام نور و ظلمت است که این نظام دقیق نیز مانند نظامهای دیگر آفرینش یکی از شگفتیهای جهان است و بیانگر علم و قدرت خداوند است.

نتیجه:

نتیجه ای که این آیات بر آن دلالت دارند

این است آن خدوتندی که این جهان با عظمت را باین ترتیب آفریده و این نظام متن و بدیع را پدید آورده است توانائی آنرا دارد که پس از مرگ شما را زنده کند و به حساب اعمال و عقاید و اخلاق شما بطور کامل برسد و به مجازات و پاداش و کیفر لازم برساند.

«إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَتَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» ۱۱.

«بازگشت همه بسوی ما و حساب همه نیز بر ما است».

۱- آیه ۵-۷، سوره حج ۳- آیه ۹، سوره فاطر

۲- آیه ۱۱، سوره ق ۴- آیه ۳۹، سوره فصلت

۵- آیه ۳۷، ۱۱- سوره ص

۶- آیه ۲-۱۰، سوره غاشیه

۷- آیه ۲۶-۲۹، سوره نازعات

۸- رقم دقیقترین است که در هر ثانیه ۲۹۹۷۹۶ کیلومتر راه طی می کند ولی معمولاً همان رقم فوق را بکار می برند.

۹- از جهانهای دور - ص ۱۹۱

۱۰- به کتابهای اثبات وجود خدا، ص ۳۹ و مرزهای نجوم، ص ۱۴۴ و ص ۱۸۶ و دنیای ستارگان، ص ۱۴۳ و مع الله فی السماء، ص ۲۱۱ و به کتاب دانش عصر فضا تألیف حسین نوری ص ۶۵ مراجعه فرمائید.

۱۱- دانش عصر فضا، ص ۶۶

۱۲- آیه ۲۵-۲۶، سوره غاشیه